

غرق شده و دیگر میلی به بازگشت به زندگی خودشان را ندارند. ساتچو در پایان سفر به دن کیشوت می‌گوید: همون آش و همون کاسه  
بازم همون زندگی گند و نکستی...

### سفر ماجراجویانه

این شخصیت‌ها همیشه در سفر ماجراجویانه که تحول قهرمان را در سیر حوادث نشان می‌دهد، یا او همراه می‌شوند، آن‌ها از ابتدا تا انتها حضور دارند، نقش این تحول را به صورت خیلی کم‌رنگ می‌توان روی آن‌ها هم دید، ولی به طور کلی از سفر و ماجراجویی لذت می‌برند، چرا که زندگی ساده و بی‌تعلقی دارند.

دکتر احمد عزتی پژوهشگر دانشگاه در حوزه ادبیات تطبیقی جهان درباره این موضوع به خبرنگار صبا گفت: دن کیشوت از رسته کم‌دی‌های ساتیر، است که نقد کمیک و طنزآمیز می‌کند. سر و انتس در کتاب دن کیشوت مجموعه نظام‌های اشرفی‌گری فتودالیستی را به نقد می‌گیرد که در زمان به روی کار آمدن طبقه متوسط بورژوازی نظام ارباب و رعیتی فتودالیته خود را حفظ کرده‌اند. دن کیشوت برای جنگ یا نظام مستبد اهرمی متوهمانه را اختیار کرده است.

وی افزود: این اثر کمیک اشاره به انسان‌هایی دارد که در توهم و توستالوژی‌های زمان‌های گذشته خود اسیرند، و همین باعث شده همه آن‌ها را احمق و متوهم فرض کنند و به سخره بگیرند. زنده نگه داشتن مصلحتی که دوره‌اش گذشته اما توسط بعضی هنوز حفظ می‌شوند برای دیگران به صورت خنده‌آور جلوه می‌کند. مثل این که در روزگار امروز کسی خودش را رستم بداند، و قله دماوند را چون دیوی سپید انگاشته و به جنگ آن برود. در این راه دن کیشوت هیچ حامی و مویدی جز ساتچو ندارد، ساتچو نمونه‌ای از محدود رعیت‌هایی است که جهان‌بینی ندارند و در تبعیت محض قهرمان داستان هستند، فلسفه میثتی پر دیدگاه‌ها نماته دارند. مانند اعتقاد به سرتوشت، قضا و قدر و شانس. آن‌ها آسمان‌جل‌هایی هستند که چیزی برای از دست دادن ندارند.

### تفاوت در عمیق نشدن است

عزتی‌پور با اشاره به این که ماجرای دن کیشوت طنزآمیز است، اما فیلم فارسی جدی است و به دنبال کارهای شدنی می‌رود، افزود: در فیلم فارسی قهرمان و ملازم یکی کم‌دی و دیگری جدی است، اما در دن کیشوت هر دو کم‌دی هستند. دن کیشوت اثری فاخر است که نقد اجتماعی و تاریخی و فلسفی از نظام فتودالیستی می‌کند. اما این نقد عمیق در فیلم فارسی وجود ندارد و صرفاً جنبه سرگرم‌کنندگی دارند.

### مخلص کلام

ساتچو یک نمونه مرجع از یک شخصیت است، که با ویژگی‌های کملاً تپیکالی در زمان دن کیشوت توسط سر و انتس پرداخته شده است، که با نگاهی دقیق می‌توان ردپای او در آثار هنری زیادی از فیلم‌ها ویا رمان‌های بعد از خودش دید، که هر کدام به شکلی ساتچووار ترسیم شده‌اند و در مولفه‌های اصلی یا این شخصیت اشتراک دارند، اما به طور حتم از نظر تاریخی و تاخر، ساتچو اولین نمونه از انسان‌های ساده‌دل و بی‌هدفی است که زندگی خود را وقف رویای دیگران کرده‌اند، و تمادهایی زیادی نیز از این اشخاص به طور کل در جامعه با عنوان حزب‌پاد و عوام دیده می‌شوند.

از دیگر نمونه‌های این شخصیت در سینمای پس از انقلاب می‌توان به استفاده خلاقانه آن در سریال یانگی اشاره کرد، دوستان جاوید که در این سریال به شکل یک اکیپ همیشه همراه قهرمان به تمایش درآمدند، در تمام طول داستان نقشی ساتچووار برای قهرمان داشتند، و تمامی مولفه‌هایی که به آن‌ها پرداخت شد، در دوستان جاوید دیده می‌شود.

می‌شوند. ساتچو پاتز اقد کوتاه خپل، سوار بر الاغ در مقابل دن کیشوت قد بلند یا اندامی کشیده و سوار بر اسب قرار می‌گیرد. اختلالاتی نیز در تکلم و بیان دارند که درست در مقابل بیان رسا و محکم قهرمان قرار می‌گیرند. در فیلم چرخ و فلک رضا پالهیچه و بیان مشکل‌دار و لباس مندرس در مقابل بیان قوی و آوازخوانی قهرمان و خوش پوشی او قرار می‌گیرد. این قانده به این شکل است که باید قهرمان از نظر نمای دیداری و شرایط فیزیکی و جسمانی نسبت به ملازم برتری فاحش داشته باشد، و یا به طور کامل در تضاد باهم باشند.

### فردی خارج از تفکر

این اشخاص احمق‌نما هستند و به این ویژگی خود افتخار می‌کنند. آن‌ها در برخورد با مسائل اعتقادی و جهان‌بینی به دنیای پیرامون، کاملاً یا این بیت هم‌خوان هستند: بز ن بر طویل بی‌عاری که آن هم علمی دارد.

ساتچو به طور تمام‌قد چندین بار اعلام می‌کند که هیچ نظری درباره هیچ چیز ندارد و اصلاً نمی‌داند و نمی‌فهمد که چه چیز واقعی و یا غیر واقعی است، درست مثل رضا که که انگار اصلاً نمی‌داند که چه چیز درست یا نادرست است: جیب‌بری یا قاچاق مواد برایش فرقی ندارد و تنها از موضعی که اربابش می‌گیرد دفاع می‌کند و برای تحقق اهداف اربابش هر کاری می‌کند، بدون آن که فکر کند، این دست از افراد می‌توانند نمادی از مردم عام و اکثریتی باشند که چون قدرت تفکر و یا حوصله فکر کردن ندارند برای تحقق رویایی دیگران گام برمی‌دارند، آن‌ها ساده‌دلان مهربانی هستند که تشخیص مرز خوبی از بدی و درست از غلط برایشان دشوار است و عامدانه یا غیر عامدانه وارد حوزه تفکر نمی‌شوند.

### دست‌گیرند و دست‌بخشند

ساتچو به دنبال فرمان‌روایی یک چیزه است و رضا در چرخ و فلک به دنبال خریدن یک اتومبیل کادیلاک، اما راحتی از خواسته‌های خود صرف نظر می‌کنند، چرا که اهل مال‌اندوژی نیستند، همان‌طور که ساتچو در نهایت به خانواده‌اش می‌گوید: راجع به اون چیزه حرف نزنید اونجا مکتب نمی‌ارزید. که نشان از اهداف کوتاه مدت و غیر عمیق او دارد و همین امر دلیلی می‌شود تا زندگی خود را صرف قهرمان کنند.

### اهل شادی‌های دنیایی

این اشخاص به دنبال لذت‌هایی ساده در زندگی روزمره هستند، از فضایل اخلاقی یا اصلاً بر خوردار نیستند و یا خیلی کم، تنها فضیلت اخلاقی بارزشان معرفتی است که در همراهی یا قهرمان خود نشان می‌دهند، که برای آن حتی ممکن است جان خود را به خطر بیندازند. ساتچو معترف است که ترسو است، شجاع نیست به سرعت یا زتان گرم می‌گیرد، غذا خوردن را دوست دارد. رضائیز چشم‌چران است، به دنبال خوشگذرانی است و از ماشین سواری و... لذت می‌برد.

### بذله‌گوی وطن‌زوی

مهم‌ترین ویژگی این شخصیت‌ها، این است که با احمق‌پازی، مایه طنز درام را فراهم می‌سازند، و نقش سرگرم‌کنندگی و بیان بعضی شکاف‌های فلسفی داستان را با اتکا به لودمبازی و ساده‌گویی فراهم می‌کنند. که گاهی سخنان کنایه‌آمیز و دوپهلویی هم به زبان می‌آورند.

### همراه همیشگی

این شخصیت نزدیک‌ترین شخص به قهرمان است، حتی گاهی از معشوقه قهرمان بیشتر، او تا پایان درام با قهرمان می‌ماند، حتی گاهی آن قدر نزدیک به قهرمان هستند، که تنها کسی برای کمک کردن به قهرمان به شمار می‌روند، و یا از فرط صمیمیت بر سر قهرمان داد می‌زنند، چرا که کملاً در دنیای زندگی داستانی و یا رویایی قهرمان

